

چنگ

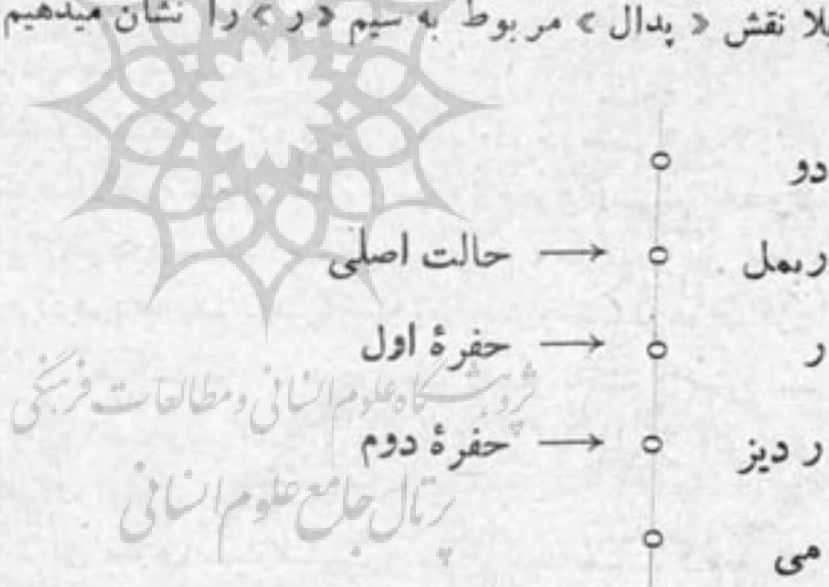
(«هارپ»)

چنگ کهنسال ترین سازهاست. بنا بر احادیث و افسانه ها، حضرت داود آوازهای مذهبی خود را به همراهی این ساز میخواند و در بسیاری از نقوش برجسته باستانی مصر که اصلشان بشش هزار سال پیش از میلاد مسیح میوسد، نشانی از آن میتوان یافت. در ایران پیش از اسلام نیز چنگ رواجی بسزا داشته و در میان نقوش مربوط به دوره ساسانیان نیز چنگ خود نمائی میکند. شعرای ما، همچون شاعران و هنرمندان ملل دیگر، درباره آن سخن بسیار گفته اند. بشهادت نقش ها و آثار هنری باستانی و تاریخ موسیقی، چنگ پیوسته مورد علاقه زنان بوده و شکل ظریف و زیبا و شاعرانه آن در همه زمانها بدل آنان «چنگی» میزده است! بیمناسبت نیست که در غالب زبانهای اروپایی کلمه چنگ (La Harpe) بصورت مونث آمده است ...

چنگ در دوره های کهن ۴ سیم داشته که بتدریج تعداد آنها رو- بافزایش نهاده است. بحث درباره اشکال مختلف این ساز و تحولات تاریخی

آن از حدود این مختصر خارج است. «هارپ» بصورتی که امروز در موسیقی علمی معمولست، یعنی «هارپ» مدل «ارار»، در قرن نوزدهم بوسیله «سیاستین ارار» (S. Erard) فرانسوی تکمیل شده و در ارکستر راه یافته است و با اینکه در ارکستر کمتر نقش مهمی بعهده میگیرد با اینحال لحن و طنین آسمانی آن در رنگ آمیزی ارکستر وسیله پرمایه ایست و شخصیت آن همچون یک ساز «سولو» قابل احوال نمیشد.

هارپ «ارار» دارای ۴۷ سیم است که در حال طبیعی در گام «دوبل» بزرگ میباشد. پایه آن را ۷ رکاب (پدال) احاطه کرده است که هر کدام مخصوص یکی از نوت های هفتگانه است در زیر هر کدام از آنها دو حفره بر روی هم تعبیه شده است. هر کدام از «پدال» ها - بنا بر اینکه آنرا در حفره اول یا دوم فرود آوریم یا بحالت اصلی خود نگاه داریم - به سه حالت مختلف میتواند در آید. هنگامیکه یک حفره پائین ترمی آید سیم آن کشیده شده و صدای آن بفاصله نیم پرده زیرتر میگردد و بهمین ترتیب در حفره دوم هم صدائی بدست میدهد که از صدای پدال حفره اول نیم پرده زیرتر است. ذیلا نقش «پدال» مربوط به سیم «ر» را نشان میدهیم:



اگر یکی از پدالها را بحفره اول پائین بیاوریم و در جایش ثابت کنیم و مثلا این عمل را با پدال فا بمل انجام دهیم سیم فا بمل از قد کوتاه شده و صدایش نیم پرده زیرتر میشود بدین معنی که فا بمل - یا بهتر بگوئیم فاهای بمل - به فا طبیعی یا «بکار» مبدل میشود و بدین ترتیب گام سل بمل بزرگ را بدست میآوریم. بعد از آن اگر پدال دو بمل را در حفره اول قرار دهیم گام ر بمل بزرگ را خواهیم داشت. بدین طریق با پائین آوردن پدالها در

حفره اول به ترتیب گام لا بمل ، می بمل ، سی بمل ، فا و بعد دو بزرگ را بدست خواهیم آورد . با داشتن گام دو بزرگ اگر نظری به پدالها بیفکنیم آنها را ثابت در حفره اول خواهیم دید . حال اگر برگردیم به پدال فا- بکار و آنها را در حفره دوم ثابت کنیم سیم فا باز نیم پرده کوتاه تر میشود و تمام سیم های فا به فادیز مبدل میشوند و گام سل بزرگ را بدست خواهیم آورد و چنانچه ۶ پدال دیگر را بترتیب بهمین منوال در حفره دوم قرار دهیم گام های ر ، لا ، می ، سی ، فا و دو دیز را بدست میآوریم ...

پدال های هارپ پیش از قرن نوزدهم وجود نداشت و نوازنده هارپ از همین رو قدرت و وسیله فنی بسیار محدودی داشت و به بیانستی میماند که جز مضراب های سفید در اختیار خود نداشته باشد ...

با توجه بآنچه گذشت ، اگر آهنگسازی بخواهد اثری برای هارپ بنویسد ناگزیر است که نکات زیر را در نظر داشته باشد .

گام کروماتیک با هارپ اصلاً سازگارست و میتوان گفت که برای این ساز ممنوع میباشد مگر در یک حالت بسیار آهسته . زیرا هرنت کروماتیک احتیاج به عوض کردن یک پدال دارد ...

در گام کوچک ، بواسطه عوض کردن پدالها در درجات ۶ و ۷ گام خالی از اشکال نیست و بالاخره تغییرات مقام (مودولاسیون) سریع بخصوص در گام هائیکه خیلی از هم دورند بسیار مشکل است زیرا عوض کردن پدالها وقت میگیرد و بعلاوه در هر دفعه هم با هر یک پدال بیشتر نمیتوان عوض کرد .

نکته قابل ملاحظه که آهنگسازان باید در نظر داشته باشند دانستن اسم پدالهای مخصوص پای راست و چپ است : پدال های می فا سل لا زیر پای راست و پدال های سی دو ر لا زیر پای چپ قرار دارد .

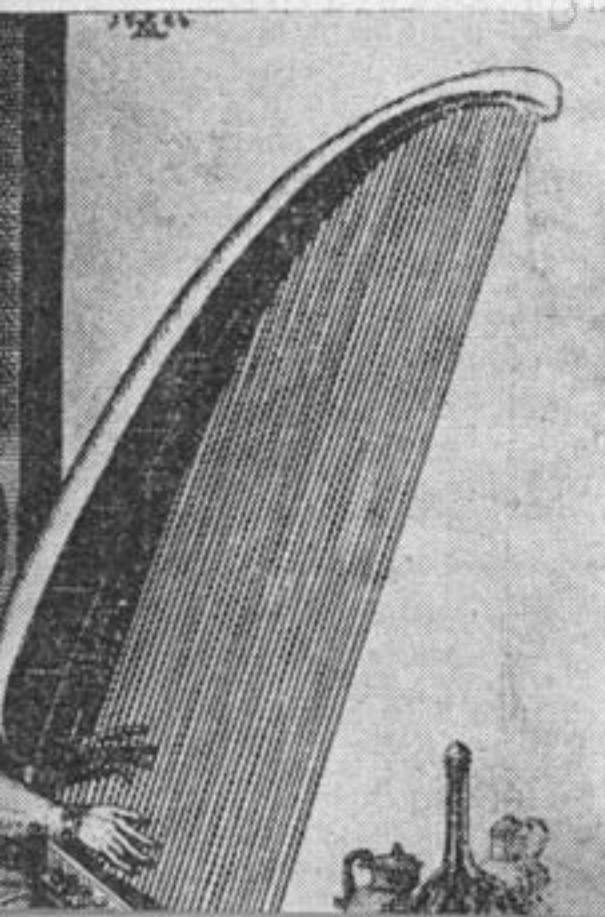
گام هائیکه برای هارپ بسیار مناسب و خوش صدا هستند گام های بمل دار میباشد چون سیم ها در حال طبیعی و بلندی کامل خود هستند . گام های بزرگ سهل ترین گام هائی هستند که میتوان بکار برد چون این ساز با گام بزرگ کوک میشود اکورهای چسبان (Plaqué) ، آرپژه ، گام های دیاتونیک ، اکتاو و « گلیساندو » (Glissando) را بر روی هارپ سلیس و استادانه میتوان اجرا کرد . بعلت کم بودن فاصله بین سیم ها ، بهمین سهولتی که اکتاو را روی پیانو میگیریم فاصله دهم را روی هارپ میتوانیم بگیریم اما در آکور باید فقط ۴ نت را برای هر دست در نظر گرفت چون

با انگشت پنجم کار نمیکنیم . « تری » ها (Trilles) و نت های تکرار شده هم چندان نتیجه خوبی نمیدهند .

هارپ مثل همه ساز های زهی دارای نت های آرمونیک قابل توجهی است . با فشار دادن کف دست بر روی سیم ها و با لمس کردن سیم مورد نظر نت آرمونیک را میتوان شنواند که بسیار خوش صدا و مطبوع است مخصوصاً اگر با سیم های یک و وسط هارپ قرار گرفته این عمل را انجام دهیم . دست راست فقط میتواند یک نت آرمونیک اجرا کند در حالیکه دست چپ ۲ و گاهی ۳ نوت . با در نظر گرفتن این نکات باید گفت که هارپ از لحاظ حدود وسعت فنی چندان اختلاف زیادی با پیانو ندارد . بعضی از آثاری که برای هارپ نوشته شده برای پیانو قابل اجراست همچنین برعکس . مثلاً « ارا بسک » و « دختر سپید موی » از « دو بوسی » ، « پرلود » ها و بسیاری از آثار دیگر با آنندک تغییراتی برای هارپ ترتیب داده شده است .

از میان آهنگسازانی که برای هارپ آثاری نوشته اند موزار (کنسرتو برای فلوت و هارپ) ، « هاسلمان » ، « پیرنه » ، « دو بوسی » و « راول » را میتوان نام برد . آهنگسازان معاصر نیز قطعات جالبی برای هارپ ایجاد کرده اند که غالباً بوسیله هارپسیت های بزرگ معاصر که از بزرگترین آو مشهورترین موسیقی دانان دوره ما میباشدند (و عده مردان در آن میان کم نیست !) اجرا میشود .

پوران عضدی



« زن شرقی در حال نواختن چنگ »
(کنده کاری بر روی چوب متعلق به قلمرو ایران)
به قرن ۱۶ . موزه هامبورگ